

تحلیلی بر گستره حقوق و آزادی‌های فکری در پرتو اصل حاکمیت قانون در قانون اساسی مصر (قانون اساسی مصوب ۲۰۱۴ میلادی)^۱

محمد مظهری *

مرتضی قاسم آبادی **

علیرضا ناصر ***

سمیه مرندی ****

چکیده

مصادیق انکار ناپذیر آزادی تفکر و اندیشه از رهگذر آزادی بیان، مذهب، عقیده و آیین، آموزش و پرورش، مطبوعات و نشریات، دسترسی به آمار و اطلاعات، رادیو و تلویزیون، از طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق هر فرد و پایه دموکراسی و کرامت بشری به شمار می‌رود، به گونه‌ای که عدم تضمین و پشتیبانی از آن، خاص حکومت‌های دیکتاتور و رژیم‌های مستبد است. از طرف دیگر حقوق و آزادی‌های یاد شده در پناه اصل حاکمیت قانون قوام یافته و بدون آن آرمان جوهری حاکمیت قانون یعنی تضمین حقوق و آزادی‌ها محقق نخواهد شد. چرا که باید حقوق و تکالیف زمامداران

^۱ تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۲/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

* استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول مقاله):

m.mazhari@tabrizu.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز

**** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز

و شهروندان در قالب قانون اساسی چارچوب بندی شده تا تمامی مقامات و نهادهای سیاسی تابع قواعد حقوقی باشند و هیچ یک حق تحدید حقوق و آزادی‌های بنیادین و از جمله حقوق و آزادی‌های فکری، جز در چارچوب آیین‌های خاص و مطابق قوانین نداشته باشند. قانون اساسی جدید مصر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مصادیق حقوق و آزادی‌های فکری را در پرتو اصل حاکمیت قانون مقرر داشته است.

واژگان کلیدی: اصل حاکمیت قانون، حقوق بشر، آزادی‌های فکری،

قانون اساسی جمهوری عربی مصر.

مقدمه

رمز پایداری هراجماعی، در گرو حیات فکری آن جامعه است و تا جامعه به حیات فکری خویش دست نیابد، از زندگی راستین برخوردار نخواهد بود. بدین سان، اندیشه‌ورزی و تفکر، ضرورت حیات انسانی جوامع است و عالمان و متفکران و طلایه-داران حرکت‌های انسانی و اصلاحی، بیش از هر چیز باید به اندیشاندن و به اندیشه واداشتن جامعه بپردازند و شیوه‌ها و اسلوب‌های اندیشه‌وری سودمند و کارآمد را در پیش دید نسل‌ها بگذارند و پرورش خرده‌ها و استعدادها را وجهه همت خویش سازند و با نگارش، گفتار و ... حیات فکری جامعه را تأمین کنند، که جامعه بی فکر و جامد که در جهت خلاقیت، ابتکار و باز جستن بهترین راه‌ها برای زندگی نمی‌اندیشد، بزودی دستخوش مرگ و فنا خواهد شد. از آنجا که آزادی تفکر و عقیده ریشه و اساس دیگر آزادی‌ها به شمار می‌رود، به همین خاطر از اهمیتی ویژه برخوردار است و عدم تضمین و پشتیبانی از آن، خاص جوامع مستبد و دیکتاتور است در چنین جامع‌های فردیت فرد تحقق نیافته و بی حقوقی مطلق حکمرانی می‌کند، از این رو تلفیقی از بی حقوقی و قدر قدرتی به طور همزمان، ذهنیت آدمیان را به تباهی می‌کشاند زیرا یکی از پیش شرط‌ها و مقدمات استبدادسالاری در هر جامعه‌ای، وجود نابرابری در حیطه اندیشه و اندیشیدن^۱ و به بیان دیگر آزادی فکری است، چرا که هیات حاکمه، گرایش به سکوت در جامعه و ایجاد خفقان فکری دارند و می‌خواهند خود به تنهایی مبین کلیت جامعه بوده، خود بیان‌نویسند، فکر کنند، افکارشان را به حیطه عمل وارد نمایند، به همین خاطر، هر گونه انتقاد، اندیشه، تفکر را روی بر نمی‌تابند زیرا آن را عاملی موثر در روشن کردن افکار عمومی و روشنگری مردم پنداشته و از سویی دیگر عاملی ویرانگر برای تداوم و گسترش سلطه‌ی خود در جوامع بشری تلقی کرده‌اند به همین علت، هر گونه تفکر و اندیشه‌ای را که مغایر با چارچوب‌های فکری آنها بوده سرکوب کرده و آزادی خداداد فکری افراد را پایمال می‌نمایند. نکته دیگر در این خصوص، پیش بینی و انعکاس آزادی‌های فکری در متون قانونی یک کشور و به ویژه

^۱ سیف، احمد، پیش درآمدی بر استبدادسالاری در ایران، نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۸

قانون اساسی آن است. «قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی-سیاسی هر جامعه سیاسی، انتظام بخش کلیه امور و شوون و تعیین کننده روابط متعادل زمامداران و فرمانبرداران آن جامعه است. التزام عملی بر اجرای این قانون مهم، ابواب و منافذ استبداد را مسدود و کرامت انسانی و حرمت آزادی و حرمت افراد را تضمین و موجبات تلاش برای استقرار عدالت سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند. در قانون اساسی ضمن توجه و تبیین اصل حاکمیت مردم و التزام زمامداران به رعایت حاکمیت قانون، بر برتری حقوق بشر تکیه و تاکید می‌گردد»^۳. به همین دلیل است که «تمام نهادهای سیاسی که در قوانین اساسی از آنها نام برده می‌شود و به گونه‌های مختلف در حقوق اساسی کشورها مطرح گردیده‌اند، در مقابل بحث حقوق و آزادی‌های افراد بشر، جنبه فرعی دارند؛ به عبارت دیگر، تمام این نهادها طرح ریزی می‌شوند، شکل می‌گیرند و فعال می‌شوند تا از آزادی و حقوق انسان‌ها، حفاظت شود و عدالت در جامعه پایدار شده و اصل تساوی استحکام پیدا نماید»^۴. با توجه به مطالب یاد شده، در صورتی که سند عالی تضمین حقوق و آزادی‌های بشری یعنی قانون اساسی و به تعبیری ام‌القوانین، مصادیق آن را منعکس، پیش بینی و تضمین ننموده باشد، متنی بی محتوا و خالی از فایده خواهد بود. به همین علت مردم آزادی‌خواه هر کشور در نقاط مختلف دنیا، همواره در پی دستیابی به حقوق و آزادی‌های فکری خود دست به دامان اعتراض، تظاهرات و گاه در حالات بسیار شدیدتر تحول رژیم‌های سیاسی موجود و براندازی نظام‌های مستبد به واسطه انقلاب می‌گردند. هر چند به لحاظ سیاسی در انقلاب‌ها، متغیرهای گوناگونی دخالت دارند و در همه آنها انتقال قهرآمیز قدرت از دولتی به دولتی دیگر صورت می‌گیرد^۵ اما به لحاظ تفکر حقوقی، تغییر قوانین اساسی پس از انقلاب‌های مردمی و پیش بینی ساختاری حقوق و آزادی‌های بنیادین و به ویژه آزادی فکری که به نوعی پایه دموکراسی و کرامت بشر به شمار

^۳ هاشمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۱۸۵-۱۸۶

^۴ مدنی، سید جلال الدین، کلیات حقوق اساسی، انتشارات پایدار، چاپ بیستم، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵

^۵ فورن، جان، نظریه پردازی انقلاب‌ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، ص ۲۸

می‌روند. در آن به معنای نارضایتی مردم آن سامان نسبت به عدم انعکاس، اجرا و تضمین مصادیق این حقوق و آزادی هاست؛ بنابراین مردم آزادی خواه با این رویکرد، انقلاب را فرصت لازمی می‌شمارند تا به شرایط آرمانی مد نظر خویش برای دستیابی به یک حیات فکری آزاد، نائل آیند. با توجه به مطالب یاد شده، طلیعه نهضت سرزمین اهرام، و قیام مردم متمدن و اسلامی مصر و ندای آزادی خواهی بر علیه فرعون مستبد خویش، باعث سرنگونی یک حکومت دیکتاتوری گردید. پس از این واقعه، مردم آن سامان نیاز به تغییر در قانون اساسی خود را، امری اساسی قلمداد نموده و پس از کش و قوس های فراوان در عرصه سیاسی و مسیر اصلاحات دوباره قانون اساسی، بالاخره در سال ۲۰۱۴ میلادی، سند نهایی قانون اساسی که توسط مجلس موسسان این کشور تدوین یافته بود، در یک همه پرسی عمومی با رای اکثریت مورد تایید قرار دادند. از این رو، در نوشتار حاضر ضمن تبیین جوهره دستورگرایی قانون اساسی یعنی اصل حاکمیت قانون و رعایت مولفه های اساسی آن در قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر، با بررسی این قانون، گستره مصادیق حقوق و آزادی های فکری را در پناه اصل یاد شده که بارزترین و جوهری ترین مصداق و آرمان آن، تحقق حقوق و آزادی های بنیادین و از جمله حقوق و آزادی های فکری است، مورد واکاوی قرار خواهیم داد، تا میزان تاثیر افکار آزادی خواهانه مردم برای دستیابی به حقوق آزادی های فکری در متن قانون اساسی مصر مشخص گردد.

۱- اصل حاکمیت قانون در قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

«حاکمیت قانون از اصول بنیادین حقوق عمومی است به نحوی که فقدان آن، حقوق عمومی به مفهوم امروزی را بی معنی می‌سازد».^۶ «اصل حاکمیت قانون زاینده افکار آزادی طلبی است، به موجب این اصل تمام قوا و فعالیت های دولت اعم از قانونگذاری، قضایی، اجرایی و اداری زیر نظارت قانون قرار داده شده است و افراد می توانند با مراجعه به مراجع قضایی صلاحیت دار، از تخلف و تجاوز این دستگاهها

^۶ امامی، محمد، استوارسنگری، کوروش، حقوق اداری، نشر میزان، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۸۸، ص

جلوگیری کنند. برابر این اصل، قوه قانونگذاری تابع مقررات قانون اساسی است و یک دادگاه عالی، مستقل و بیطرف ناظر بر اعمال اوست. همچنین قوه قضائیه تابع قانون است و دیوان عالی کشور بر احکام صادره از سوی دادگاهها، نظارت دارد تا بر خلاف قوانین حکم ندهند. همینطور قوه مجریه تابع قانون است و چنانچه اقدامات و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی و اداری، برخلاف قانون بود افراد می‌توانند به مرجع صلاحیت‌دار مراجعه کنند و با طرح دعوی، لغو و ابطال اقدامات و تصمیمات مزبور را درخواست نمایند.^۷ از آنجا که قانون اساسی مصر به نوعی جنبشی در راستای تدوین یک قانون اساسی شکلی و به عبارت بهتر دستورگرایی است، و از آنجا که جوهره دستورگرایی کلاسیک، با تحقق آرمان حاکمیت قانون پیوند خورده و چارچوب بندی حقوق و تکالیف زمامداران و شهروندان در قالب یک سند رسمی و مدون (قانون اساسی) در این راستا قابل ارزیابی است، چرا که گفتمان حاکم بر حقوق اساسی جدید مساله دولت قانونمدار است و مطابق این گفتمان، تمامی مقامات و نهادهای سیاسی از جمله باید تابع قواعد حقوقی باشند و هیچ یک از مقام‌ها و نهادهای سیاسی حق تحدید حقوق و آزادی‌های بنیادین را جز در چارچوب آیین‌های خاص و پیش بینی شده در قوانین را ندارند، از این رو، وجود عناصر و مولفه‌هایی برای تحقق و تعیین دولت قانونمدار لازم است از جمله؛ تحدید قدرت و تعیین حدود صلاحیت هر یک از نهادهای سیاسی، سلسله مراتب و نظارت‌پذیری.^۸ با این دیدگاه، قانون اساسی مصر در ابتدا مقرر می‌دارد: «جمهوری عربی مصر، دولتی مستقل و دارای حاکمیتی مستقل و یکپارچه است که هیچ‌گونه تقسیم و تجزیه را نمی‌پذیرد، دارای نظام جمهوری دمکراتیک بوده که بر اساس حاکمیت قانون و شهروندی بنا نهاده شده است...»^۹ همانطور که مشاهده می‌شود، اصل حاکمیت قانون و حقوق شهروندی به

^۷ طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵، صص ۴۰۱-

۴۰۲

^۸ گرچی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸، صص ۲۵۶-

۲۵۷

^۹ ماده ۱ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

عنوان پایه و اساس جمهوری دموکراتیک این کشور به رسمیت شناخته شده است، پس از آن مقرر می‌دارد: «حاکمیت قانون پایه و اساس حاکمیت در دولت است دولت نسبت به قانون و استقلال دستگاه قضا، صیانت و بیطرفی آن پایبند بوده تا تضمین اساسی جهت حمایت حقوق و آزادی‌ها ایجاد شود»^{۱۰} و چون در ماده ۲ مقرر داشته: «اسلام دین و آیین حاکم بر کشور و عربی زبان رسمی و اصول شریعت اسلامی، منبع اصلی قانونگذاری در آن است» از این رو می‌توان گفت اسلام به عنوان منبع رسمی حاکمیت قانون در مرحله قانونگذاری، محسوب می‌گردد، با توجه به مطالب یاد شده، به لحاظ شکلی، غایت القصوای جنبش دستورگرایی که تحقق حاکمیت قانون است، در قانون اساسی مصر پیش بینی شده، از طرف دیگر، قوا و نهادهای پیش بینی شده در قانون اساسی مصر، هر یک به صلاحیت‌های معین و تعریف شده خود می‌پردازند، چرا که باب پنجم قانون اساسی این کشور به تفکیک در فصل اول به صلاحیت‌های قوه مقننه (ماده ۱۰۱ - ۱۳۸)، فصل دوم به قوه مجریه (مواد ۱۳۹ - ۱۷۳) و فصل سوم به صلاحیت‌ها و اختیارات تعریف شده قوه قضائیه (مواد ۱۸۴ - ۱۹۰) پرداخته است و هر یک از آن نهادها را مقید به چارچوب قانون نموده است، از این رو، مولفه نخست حاکمیت قانون یعنی محدود سازی قدرت، پیش بینی شده است، از طرف دیگر، انواع نظارت‌های گوناگون بر اعمال مراجع و نهادهای سیاسی از جمله: تعیین نخست وزیر از سوی رئیس جمهور و پاسخگو بودن وی در برابر رئیس جمهور و مجلس، تقدیم استعفای نخست وزیر به رئیس جمهور و استعفای وزراء به نخست وزیر، نظارت سیاسی بر کار نخست وزیر و وزیران و حتی معاونان آنان و استفاده از ابزارهایی چون سوال و استیضاح و رای اعتماد از سوی مجلس نمایندگان، نظارت جزایی بر رئیس جمهور و وزراء و... وجود نهاد دادرسی اساسی برای نظارت بر مصوبات مجلس و انطباق با هنجار برتر (قانون اساسی) به نام دادگاه عالی قانون اساسی، دادگاه عالی اداری که دادگاه عالی اداری یک دستگاه قضایی مستقل است که تنها مرجع حل و فصل

منازعات اداری و منازعات اجرایی متعلق به مقررات آن است^{۱۱} و وجود نهادهایی چون: شورای عالی سازماندهی رسانه‌ها که مسئولیت تضمین و حمایت آزادی روزنامه‌ها و رسانه‌های تصریح شده در قانون اساسی، حفاظت از استقلال، بی‌طرفی، تکثر و تنوع آنها را بر عهده دارد...^{۱۲} و دیگر سازوکارهای نظارتی پیش بینی شده در این قانون، مولفه دوم تحقق حاکمیت قانون یعنی رده‌بندی هنجارها و سلسله مراتب سازمانی و اداری و تعبیه سازوکارهای نظارتی، پیش بینی شده است. در نهایت، حق دادخواهی برای کلیه افراد و دستیابی به دادرسی به عنوان مولفه شکلی پایانی حاکمیت قانون نیز پیش بینی شده است در این خصوص قانون اساسی مصر مقرر می‌دارد: «دادخواهی حقی مصون و تضمین شده برای همه است. دولت ملزم به کوتاه کردن جهات دادرسی است و نسبت به حل و فصل قضایا به سرعت اقدام لازم را به عمل را خواهد آورد و مصونیت هر عمل یا تصمیم اداری از نظارت قضایی ممنوع است. یک فرد نمی‌تواند محاکمه شود مگر در مقابل قاضی عادی و ایجاد محاکم فوق العاده و ویژه ممنوع است».^{۱۳} اما تنها اکتفا به مولفه‌ها و عناصر شکلی، برای تمام عیار نامیدن یک دولت قانونمدار کافی نیست، به عبارت دیگر این الگو مستلزم تلفیقی از دیدگاه‌های شکلی و ماهوی است^{۱۴} یعنی اولاً محتوا و درون مایه قوانین و عناصر موجود نیز باید مبتنی بر حمایت از کرامت انسانی و تقویت حقوق و آزادی‌های بنیادین باشد که در این خصوص قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر با ذکر: «کرامت و عزت حق هر انسانی است، تجاوز به آن مجاز نیست، دولت ملزم به احترام و حمایت از آن است»^{۱۵} در ابواب مختلف از جمله باب دوم و سوم، موادی را به تصریح حقوق و آزادی‌های بنیادین اختصاص داده است، ثانیاً کیفیت قانون و قانونگذاری به گونه‌ای باشد که قانون دو پهلو و مبهم نبوده، عطف به ماسبق نشود و نسبت به آن به طور کافی

^{۱۱} ماده ۱۹۰ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۱۲} ماده ۲۱۱ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۱۳} ماده ۹۷ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۱۴} گرجی، علی اکبر، پیشین، صص ۲۷۰-۲۷۳

^{۱۵} ماده ۵۱ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

اطلاع رسانی شود، در این راستا قانون اساسی مصر مقرر داشته: «احکام و اجرای آنها به نام ملت صورت می گیرد و دولت مکلف است لوازم اجرای آن را به گونه ای که در قانون مشخص شده، تضمین نماید...»^{۱۶} «قوانین طی ۱۵ روز از زمان صدور آن، در نشریه رسمی منتشر می شود و پس از انتشار به فاصله ۳۰ روز اجرا می شود مگر اینکه قانون زمان دیگری را برای آن تعیین کرده باشد. احکام قوانین تنها از زمان آغاز اجرای آن، قابل اجراست...»^{۱۷} بنابراین مولفه های ماهوی هم تقریباً به طور کامل در قانون اساسی ۲۰۱۴ پیش بینی شده است. به همین خاطر لوازم ضروری برای یک قانون اساسی مردم سالار و آزادی خواهانه در سایه اصل حاکمیت قانون تدوین شده است. با توجه به توضیحات مذکور، در قسمت بعد به مبحث مصادیق حقوق و آزادی های فکری در قانون اساسی مصر، پرداخته خواهد شد.

۲- مصادیق آزادی های فکری (اندیشه) در قانون اساسی مصر

«یکی از اوصاف بارز و عالی بشری، فکر و اندیشه است که با فعل و انفعال دائم در اندرون انسان، به وی حیات معنوی می بخشد و او را از دیگر جنندگان متمایز می سازد.»^{۱۸} بر این اساس «هر فردی می تواند درباره هر موضوعی که بخواهد فکر کند بدون آنکه کسی حق داشته باشد افکار و عقاید او را کنترل یا محدود نماید، به همین خاطر، آزادی تفکر ناشی از استعداد انسانی بشر است که می تواند در مسائل بیندیشد و این استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد، چرا که پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است. با این دیدگاه از آنجا که افراد در اجتماع زندگی می کنند و با دیگران در تماس و ارتباط هستند، باید آنچه درک می کنند، آنچه می فهمند، آنچه عقیده دارند، را بتوانند بیان کنند یا از طریق کتاب و مطبوعات به دیگران منتقل سازند و دیگران را در جریان افکار و اطلاعات خود قرار دهند.»^{۱۹} اما نکته ای که در اینجا باید به آن توجه نمود، این است که؛ «افراد در بهره گیری از این آزادی ها، با محدودیت هایی از

^{۱۶} ماده ۱۰۰ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۱۷} ماده ۲۲۵ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۱۸} هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۳۲۰

^{۱۹} مدنی، سیدجلال الدین، پیشین، ص ۱۸۹

ناحیه مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی، روبرو هستند تا از امنیت، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق جامعه، حمایت گردد».^{۲۰} با این رویکرد، هر چند افراد آدمی، با استقلال و تنهایی خود، بدون ارتباط با دیگران، قادر به فعالیت فکری هستند؛ اما اجتماعی بودن انسان، آنچنان رابطه‌ای را به وجود می‌آورد که در آن، تبادل و تاثیر و تاثر متقابل، امری اجتناب‌ناپذیر و زمینه‌ساز فضایی از نزدیکی و دوری، دوستی و دشمنی، صلح و جنگ و وفاق و نفاق فردی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، با توجه به حرکت انتقالی و تاثیر سازنده و مخرب آزادی فکری بر افراد و بر فضای جامعه، به عنوان یک امر اجتماعی، حقوق موضوعه نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.^{۲۱} مصادیق آزادی‌های فکری در موارد متعددی مورد کنکاش قرار گرفته و اسناد بین‌المللی و قوانین اکثر کشورهای جهان نسبت به آن اهتمام خاصی داشته‌اند، در این راستا قانون اساسی مصر که یک قانون تازه تاسیس به شمار می‌آید، در مواد گوناگونی به این مصادیق پرداخته است که در قسمت بعد مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۲- آزادی عقیده^{۲۲}

در این زمینه، فرد حق دارد در خویشتن خویش، هر گونه اعتقاد و باوری نسبت به اخلاق، مذهب، سیاست و فلسفه داشته باشد، بی آنکه به علت باورهای خود متحمل صدماتی در زندگی اجتماعی خویش شود.^{۲۳} در عرصه آزادی عقیده دینی و آیینی، قانون اساسی مصر در مقدمه خود مقرر داشته: «مصر گهواره دین و پرچم سرفرازی ادیان آسمانی است. در سرزمین مصر موسی(ع) کلیم الله بالغ گشت، سپس نور وحی الهی بر وی متجلی شد و رسالت پیامبری‌اش در سرزمین سینا به وی ابلاغ گردید. بانوی پاک دامن، حضرت مریم و فرزندش عیسی(ع) در سرزمین مصر پرورش یافتند و مصریان در دفاع از پرستشگاه حضرت عیسی(ع) هزاران شهید را تقدیم نمودند.

^{۲۰} عباسی، بیژن، **مبانی حقوق اساسی**، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۳۶۵

^{۲۱} هاشمی، سیدمحمد، پیشین، ص ۳۲۰

^{۲۲} Freedom of belief

^{۲۳} قاضی، سید ابوالفضل، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، نشر میزان، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۳،

زمانی که پیامبر خاتم حضرت محمد(صلوات الله علیه و آله وسلم) برای همه مردم به پیامبری مبعوث شدند، تا خصلت‌های رفیع معنوی را به اجرای کامل برساند، قلوب و عقل‌های ما به نور اسلام گشوده شد و در مسیر جهاد در راه خدا همه ما بهترین سربازان بودیم و رسالت حق و علوم دینی را در جهان منتشر ساختیم» همانگونه که ملاحظه می‌شود قانون اساسی مصر اهتمام خاصی به عقاید دینی داشته و با نام بردن از ادیان گوناگون اهل کتاب در مقدمه، این کشور را به عنوان گهواره ادیان معرفی نموده است، از این رو با رویکردی مطلق‌گرایانه در ماده ۶۴ مقرر داشته: «آزادی عقیده مطلق است. آزادی انجام آداب و رسوم دینی و تاسیس مراکز مذهبی برای پیروان ادیان دیگر حقی است که قانون چگونگی آن را معین می‌کند» از آنجا که قانون اساسی مصر، اسلام را به عنوان دین و آیین حاکم بر کشور اعلام نموده که تنها منبع اصلی قانونگذاری آن به شمار می‌رود،^{۲۴} به همین خاطر به رسمیت و ترجیح دین اسلام صحه گذاشته است، حتی یک نهاد مستقل را برای نشر دین اسلام به نام الازهر مقرر نموده است: «الازهر شریف نهاد علمی، اسلامی مستقلی است و در مورد امور خود دارای صلاحیت انحصاری است. مرجع اساسی علوم دینی و شئون اسلامی به شمار می‌رود و مسئولیت نشر دعوت اسلامی و علوم دینی و زبان عربی در مصر و سراسر جهان را برعهده دارد...» اما مذاهب دیگر هم به تصریح ماده ۳ قانون اساسی مصر به رسمیت شناخته شده‌اند و دارای حقوقی از جمله حق قانونگذاری در احوال شخصی مخصوص خود می‌باشند، در این خصوص این ماده تصریح نموده: «اصول و مبادی دیگر شریعت‌های آسمانی موجود در مصر مانند مسیحیت و یهودیت منبع اصلی قانونگذاری در خصوص احوال شخصی و امور دینی و انتخاب رهبران معنوی آنهاست» از طرف دیگر این قانون با یک رویکرد دموکراتیک جهت تضمین ماده مزبور مقرر داشته: «کلیه شهروندان در برابر قانون برابرند و در حقوق، آزادی‌ها و وظایف عمومی مساوی هستند و هیچگونه تبعیضی به لحاظ دین، عقیده... میان آنان وجود ندارد. اعمال تبعیض و تحریک به نفرت طبق قانون مجازات می‌شود. دولت مکلف

است اقدامات لازم را برای از بین بردن تمام اشکال تبعیض به انجام برساند و قانون یک کمیسیون مستقل را برای این منظور تنظیم می‌نماید» از طرف دیگر در قسمتی از ماده ۷۴ تصریح نموده: «...انجام هرگونه فعالیت سیاسی ویا ایجاد احزاب سیاسی براساس مسائل دینی... یابر اساس مسائل فرقه‌ای...مجاز نیست» که به نوعی تضمین تلویحی برای آزادی عقیده در بعد سیاسی برای همه شهروندان صرف نظر از عقیده و مرام دینی خاص خود مقرر نموده، از این رو، همانگونه که ملاحظه می‌شود تبعیض عقیدتی، دینی را (در کنار سایر اشکال تبعیض جنسی، نژادی و...) طرد نموده و برای عدم رعایت آن مجازات مقرر کرده است.

یکی از اساسی ترین چالش های حقوق بشری در جغرافیای اسلام واز آن جمله کشور مصر آزادی عقیده است . شاید به خاطر همین ریشه‌های دینی بود که هنگام تصویب ماده ۱۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر تلاشهایی برای حذف عبارت(آزادی تغییر مذهب) از سوی کشور مصر صورت گرفت.^{۲۵} همانگونه که ملاحظه می‌شود ماده ۶۴ آزادی عقیده را به صورت کامل پذیرفته است.از طرف دیگر تغییر مذهب که از لوازم آزادی عقیده است تاکید کرده است. حال سوال اینجاست که قانون گذار اساسی مصر که به صورت مطلق و بی قید و شرط آزادی عقیده را پذیرفته است ایا ارتداد را نیز جایز می‌داند. اگر مطابق این قانون جایز باشد که از ظاهر عبارات قانون اساسی چنین بر می‌آید باید گفت در این قسمت قانو دچار نوعی تناقض درونی شده است زیرا از یک طرف اسلام را به عنوان یگانه منبع قانون گذاری معرفی می‌کند و مسولیت گسترش آن را بر عهده الازهر قرار می‌دهد و از دیگر جهت ارتداد را که در شرع گناهی نابخشودنی عنوان شده و مستوجب مرگ شناخته شده است به رسمیت می‌شناسد.

اما از آنجا که ارتباط مذهب با انسان امری قلبی و یا احساسی می‌باشد، از گذشته‌های دور تا کنون عقیده به عنوان امری وجدانی و مرتبط با مذهب همواره مورد توجه بوده و آزادی عقیده مذهبی و دینی بیشتر متبادر به ذهن می‌شده است،

اما به خاطر توسعه فکری جامعه بشری و گسترده شدن اندیشه حقوق طبیعی و اصالت انسان به طور مستقل از مفاهیم دینی، موضوع آزادی عقیده در جلوه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اخلاقی و کثرت گرایی اندیشه، از رنسانس به بعد بیش از پیش مطرح می شود. با این فرض علاوه بر آزادی عقیده دینی و مذهبی، آزادی عقیده در جلوه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز در قوانین اساسی مورد تاکید قرار گرفت.^{۲۶} در راستا قسمت نخست ماده ۶۴ قانون اساسی مصر همانگونه که ذکر شد مقرر نموده بود که؛ «آزادی عقیده مطلق است...»، و با آوردن قید «مطلق» به نظر می رسد که صرف داشتن هر عقیده و مرامی افزون بر عقیده دینی و مذهبی، شامل عقیده سیاسی، اجتماعی و ... آزاد است. از طرف دیگر با مقرر نمودن اینکه همه شهروندان دارای حق انتخاب و نامزدی و ابراز نظر در همه پرسی هستند^{۲۷} و در ماده ۷۴ مقرر نموده: «شهروندان حق تاسیس احزاب سیاسی با اعلام قبلی در این خصوص دارند، قانون چگونگی آن را معین می کند...» به نوعی آزادی عقیده سیاسی شهروندان را قالب های مذکور به رسمیت شناخته است. در پایان این نکته شایان ذکر است که؛ قانون اساسی مصر در مورد مسئله تفتیش عقاید حکمی را مقرر ننموده است، احتمالاً تفکر تدوین کنندگان قانون اساسی این کشور محدود به همان تصریح ماده ۶۴ و قید آزادی مطلق عقیده بوده و لزومی به ذکر این مطلب احساس نکرده اند، چرا که در کنار رسمیت اسلام و حاکمیت آن در قوانین و قانونگذاری، ادیان دیگر نیز در پاره ای موارد چون قانونگذاری برای احوال شخصیه و انجام مراسم مذهبی رسمیت دارند و از طرف دیگر کلیه شهروندان را بدون استثنا مشمول تساوی در حقوق، آزادی ها و وظایف عمومی دانسته و هر گونه تبعیض از لحاظ عقیده و مذهب را طرد نموده است.

۲-۲- آزادی دسترسی به آمار، اطلاعات و داده ها^{۲۸}

مطابق این اصل همه شهروندان بدون استثناء حق دسترسی به درست ترین و

^{۲۶} هاشمی، سید محمد، پیشین، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸

^{۲۷} ماده ۸۷ قانون اساسی مصر مصوب ۲۰۱۴

^{۲۸} Freedom of access to data

صادقانه ترین اخبار و اطلاعات روز در باب مسائل و حوادث داخلی و بین المللی را دارند، شهروند آزاد حق دارد از آنچه که در داخل کشور در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی می گذرد و کلیه موضوعاتی که با سرنوشت جامعه و فرد ارتباط دارد، به درستی آگاه شده و اطلاعاتی را در این زمینه کسب کند.^{۲۹} در این راستا ماده ۶۸ قانون اساسی مصر تصریح نموده: «اطلاعات و داده ها و آمار و اسناد رسمی متعلق به مردم است. افشا و ارائه آنها از منابع گوناگون، حقی است که دولت برای همه شهروندان آن را به عهده می گیرد، دولت موظف است آن را فراهم نموده و با شفافیت کامل در دسترس شهروندان قرار دهد. قانون ضوابط دستیابی، دسترسی و محرمانه بودن آنها و همچنین قواعد امانت گذاری، حفظ و شکایت نسبت به خوداری از ارائه آنها را مشخص می کند. همچنین قانون مجازات عمدی کتمان اطلاعات و ارائه اطلاعات غلط را معین می کند. موسسات دولتی ملزم هستند اسناد رسمی را پس از پایان دوره کار به آرشیو ملی مجلس بسپارند و آنها را از اتلاف و نابودی حفاظت و صیانت نموده افزون بر آن، مطابق قانون، با استفاده از تمام وسائل و لوازم جدید، آنها را اصلاح و شماره گذاری نمایند»

۳-۲- آزادی بیان^{۳۰}

«بیان» یکی از ابزارهای مهم ارتباطی و حامل اندیشه و فرهنگ بشر بین نسل ها و جوامع مختلف است. بیان از آیات مقدس الهی است که خداوند از آن به عنوان نعمتی که بلافاصله بعد از خلقت انسان بدو آموخته، یاد می کند: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»^{۳۱} عِلْمَهُ الْبَيَانَ». آزادی بیان یکی از مهمترین حقوق و آزادی ها است که در طول تاریخ جزء آرمان های بشری بوده و بشریت در راه تحقق این حق هزینه های زیادی متحمل شده است. بیان هر فرد نمایان گر هویت فکری و شخصیت انسانی و وسیله ای برای طرح افکار، ارزش ها، آرمان ها، عواطف و احساسات اوست. طرح و تعارض اندیشه های مختلف از نظر علمی و سیاسی موجب رشد علم و افکار جوامع بشری

^{۲۹} قاضی، سید ابوالفضل، پیشین، ص ۵۶۴

^{۳۰} Freedom of speech

^{۳۱} سوره مبارکه الرحمن، آیات ۳ و ۴

است و می تواند منافع زیادی را برای فرد و اجتماع در برداشته باشد. چنانکه سلب این آزادی موجب رکود افکار و علوم بشری بوده و حرکت تکاملی جامعه و افراد را مختل خواهد ساخت؛ ممنوع کردن انسان از این نعمت الهی بزرگترین تجاوز به طبیعی ترین و فطری ترین حق انسانی او می باشد. از این جاست که آزادی بیان به عنوان یکی از مهمترین و زیباترین جلوه های اندیش مندی پا به عرصه ظهور می نهد. آزادی بیان یکی از اقسام آزادی های حقوقی است که در مجموعه حقوق بشر مورد توجه قرار می گیرد؛ بدین معنا که افراد گذشته از اینکه به خاطر داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، نباید مورد تعقیب قرار گیرند، باید بتوانند عملاً عقیده خود را ابراز نمایند و برای اثبات و احیانا به دست آوردن همفکران دیگر، درباره آن تبلیغ کنند. رمون پولن در بیان مفهوم آزادی بیان می نویسد: «آزادی اظهار اندیشه اعم از نظریه ها، شناخت، ارزش ها و عقاید را در آزادی بیان در می یابیم، خواه از راه گفتار باشد، نوشتار یا تصویر، یا از راه وسایل امروزی تولید، توزیع اندیشه و سخن، یا صنعت چاپ، یا وسایل نوین انفورماتیک و یا به صورت رایج کتاب، مطبوعات یا وسایل دیداری و شنیداری کنونی یا آینده.»^{۳۲} امروزه یک باور جهانی وجود دارد که آزادی بیان با تمام ابزارهای ممکن مانند سینما، رادیو، تلویزیون و... یک حق بشری مهم با ابعاد اساسی و یک مفهوم آمیخته با دموکراسی و کلیدی برای حمایت از تمامی حقوق بشر، و یک مفهوم بنیادین برای حفظ حقوق فردی است.^{۳۳} در این راستا قانون اساسی مصر مقرر داشته: «آزادی اندیشه و بیان تضمین شده است. هر انسان حق بیان دیدگاه های خود به صورت شفاهی و نوشتاری و دیداری یا تصویری و دیگر وسائل بیان و نشر را دارد» این قانون، حق آزادی بیان را به طور وسیعی برای همه انسان ها در قالب های نوشتاری، دیداری، تصویری و دیگر ابزارآلات بیان

^{۳۲} پولن، رمون، **حقیقت ها و آزادی**، ترجمه عباس باقری، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۹

^{۳۳} Mendel, Toby, Freedom of Expression and the Regulation of Television to Protect Children: Comparative Study of Brazil and Other Countries .center for law and democracy(CLD) ,available at: www.law-democracy.org, March 2012,p1.

و نشر به رسمیت شناخته و تضمین نموده است. از طرف دیگر نوعی آزادی بیان در قالب نقد و انتقاد هم برای شهروندان نسبت به قوای عمومی پیش بینی شده است که می‌توان آن را معادل مسئله‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر مقرر شده در اصل هشتم^{۳۴} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست هر چند به صراحت به این مسئله پرداخته نشده است، در این خصوص ماده ۸۵ قانون اساسی مصر مقرر داشته: «هر فردی حق دارد قوای عمومی را به صورت نوشتاری و گفتاری مورد خطاب قرار دهد، بیانیه‌ها به نام گروه‌ها نیست مگر اشخاص حقوقی» البته باید خاطر نشان کرد که آزادی بیان به صرف ذکر آن در قانون اساسی تضمین نمی‌شود، آزادی بیان با ابزارهای بیان شناخته می‌شود؛ به عنوان مثال اگر در قانون اساسی کشور مصر آزادی بیان به رسمیت شناخته شده ولی ابزارهای کارآمد بیان از قبیل: صدا و سیما، مطبوعات، اینترنت، کتاب و... در اختیار شهروندان قرار ندهند، به این معناست که اصل آزادی بیان را به رسمیت نمی‌شناسند.^{۳۵} از این رو، در قسمت بعد به ابزارهای بیان در قالب های نوشتاری و گفتاری پیش بینی شده در قانون اساسی مصر پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۲- آزادی بیان از رهگذر مطبوعات و نشریات^{۳۶}

یکی از شیوه‌های بیان، بیان نوشتاری است به این معنا که هر فرد می‌تواند به وسیله زبان ادراکات، ذهنیات و عقاید خود را از عالم درون به جهان بیرون در قالب نوشتار انعکاس دهد و از این طریق با سایرین ارتباط پیدا کند. یکی از این شیوه‌های نوشتاری، به واسطه مطبوعات، کتب، مقالات، روزنامه‌ها و نشریات مختلف بروز می‌یابد، به همین دلیل امروزه اصل آزادی مطبوعات به عنوان یکی از مصادیق و ابزارهای بیان در قوانین اساسی اکثر کشورها آمده است. این مقوله از چنان اهمیتی برخوردار

^{۳۴} در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای همگانی است و متقابل به عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

^{۳۵} گرجی، علی اکبر، پیشین، صص ۱۰۲-۱۰۳

^{۳۶} Freedom of the press

است که؛ در دنیای معاصر، مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی میدانند.^{۳۷} زیرا واکنش مردم، هنگام انتخابات و همه پرسی و تصمیم گیریهای مهم، منوط به آزادی مطبوعات و دسترسی شهروندان به واقعیات جامعه است.^{۳۸} در این راستا قانون اساسی مصر مقرر نموده است: «آزادی مطبوعات و چاپ و نشر مقاله مکتوب، بصری، سمعی و الکترونیکی تضمین شده است. مصریان از جمله اشخاص حقیقی، حقوقی، عمومی و خصوصی، حق مالکیت و انتشار روزنامه ... را دارند. روزنامه به محض اطلاع به نحوی که قانون کیفیت آن را مشخص می کند، انتشار می یابد. قانون اقدامات تاسیس... روزنامه های الکترونیکی را معین می کند»^{۳۹} این قانون به صراحت آزادی مطبوعات و نشریات و... برای همه اشخاص اعم از حقیقی، حقوقی و... را در قالب های مذکور به رسمیت شناخته و آن را تضمین نموده است. در تضمین ماده مذکور قانون اساسی مصر دولت را متعهد به تضمین استقلال مطبوعات نموده است و مقرر داشته: «دولت متعهد به تضمین استقلال مطبوعات و...، برای اطمینان از بیطرفی و بیان تمام دیدگاهها و گرایشهای سیاسی و فکری و منافع اجتماعی است و مساوات و برابری فرصت ها را در انعکاس افکار عمومی تضمین می نماید»^{۴۰} البته باید توجه نمود که مطبوعات در صورتی از قید و بند قدرت دولت یا قدرت های اقتصادی یا نفوذهای مختلف گروه های فشارگر اجتماعی آزاد باشند، فرصت خواهند یافت که واقعیت ها را آن گونه که هست بنویسند و نشر دهند. لزوم اجازه قبلی برای نشر روزنامه ها، دست دولت ها را در گزینش «مجاز» از «غیرمجاز» و جلوگیری از نشریات نامطلوب باز می گذارد. مسائلی چون تعلیق یا توقیف دائمی مطبوعات، سانسور مطالب آنان و ... تدابیری بوده که به واسطه آن حکومت در جلوگیری از نشر مقالات و اخبار خلاف مصلحت یا نامطبوع موثر واقع می شده است اما با گذشت زمان و مبارزه هواداران

^{۳۷} قاضی، سید ابوالفضل، پیشین، ص ۵۶۵

^{۳۸} دورتات، میا، «آزادی بیان و آزادی مطبوعات یک حق انسانی است»، ترجمه اسمائیل مقدم، نشریه

رسانه، ۱۳۹۰، شماره ۴۵، صص ۱۱۷-۱۱۸

^{۳۹} ماده ۷۰ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

^{۴۰} ماده ۷۲ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

آزادی مطبوعات، این موانع و قیود، آرام آرام از پیش پای مطبوعات برداشته شد. به همین خاطر مصادره روزنامه‌ها توسط دستگاه‌های دولتی، تعطیلی، توقیف و ... امری کاملا استثنایی است و تنها در مواقع لطمه شدید به نظم عمومی و شدت خطر به کار می‌رود.^{۴۱} البته «آزادی مطبوعات هم مانند سایر آزادی‌ها یک اصل مطلق و نامحدود نیست بلکه مستلزم شرایطی به تناسب کشورهاست. صاحبان مطبوعات و مدیران مسئول آن، تکالیفی را به عهده دارند تا اگر از طریق مطبوعات جرمی مرتکب شدند، قابل تعقیب باشد».^{۴۲} به همین دلیل قانون اساسی مصر در ابتدای ماده ۷۱ مقرر نموده: «هر گونه نظارت بر روزنامه‌ها و ... مصری، مصادره، توقیف و تعطیلی آنها ممنوع است مگر در زمان‌های خاص مانند جنگ یا بسیج عمومی...» سپس در ادامه به جرائمی که از طریق مطبوعات امکان وقوع دارند، اشاره نموده است: «هیچ مجازات محدود کننده آزادی برای جرائمی که از طریق نشر یا تبلیغ ارتکاب می‌یابد، نباید تحمیل شود اما جرائم مرتبط با تحریک به خشونت و تبعیض در میان شهروندان یا هتک آبرو و اعتبار افراد، مجازات آن به وسیله قانون معین می‌گردد»^{۴۳} البته مطابق ماده ۲۱۱ شورایی به نام شورای عالی سازماندهی رسانه‌ها پیش‌بینی شده که وظیفه آن اینگونه مقرر شده است: «شورای عالی سازماندهی رسانه‌ها، نهادی مستقل است که از شخصیت حقوقی، استقلال فنی، مالی و اداری برخوردار بوده و دارای بودجه مستقلی است. شورا صلاحیت سازماندهی عملکرد رسانه‌های دیداری، شنیداری و مطبوعات مکتوب و دیجیتالی و دیگر رسانه‌ها را بر عهده دارد. شورا مسئول تضمین و حمایت آزادی روزنامه‌ها و رسانه‌های تصریح شده در قانون اساسی، حفاظت از استقلال، بی طرفی، تکرر و تنوع آنها را بر عهده دارد و از اقدامات انحصارگرایانه ممانعت به عمل می‌آورد و در خصوص مشروعیت منابع تامین مالی موسسات مطبوعات و رسانه‌ها نظارت لازم را به عمل می‌آورد و ضوابط و معیارهای ضروری برای تضمین انطباق روزنامه‌ها و وسائل ارتباط جمعی با استانداردهای اخلاقی و حرفه

^{۴۱} قاضی، سید ابوالفضل، پیشین، صص ۵۶۵ - ۵۶۶

^{۴۲} مدنی، سید جلال الدین، پیشین، ص ۱۹۱

^{۴۳} ماده ۷۱ قانون اساسی ۲۰۱۴ مصر

ای و مقتضیات امنیت ملی، وضع می کند. این مسئله مطابق قانون خواهد بود. قانون نحوه تشکیل، ضوابط عملکرد و شرایط فعالیت کارمندان و پرسنل شاغل در شورا را مشخص می کند. نظرات شورا در تهیه و تصویب طرح ها و لوایحی که در حوزه عملکرد آن است، مورد توجه قرار می گیرد. در پایان باید ذکر نمود که کمیسیونی هم به نام کمیسیون ملی مطبوعات در قانون اساسی مصر برای تضمین نوسازی، استقلال، بی طرفی، تبعیت از استانداردهای تخصصی، اداری و اقتصادی موسسات مطبوعاتی وابسته به دولت، پیش بینی شده است که وظیفه آن طبق ماده ۲۱۲ اینگونه تصریح شده است: «کمیسیون ملی مطبوعات، نهادی مستقل بوده که وظیفه اداره و توسعه، تامین سرمایه و تضمین نوسازی، استقلال، بی طرفی، تبعیت از استانداردهای تخصصی، اداری و اقتصادی موسسات مطبوعاتی وابسته به دولت، را بر عهده دارد. قانون نحوه تشکیل، ضوابط عملکرد و شرایط فعالیت کارمندان و پرسنل شاغل در کمیسیون را مشخص می کند. نظرات کمیسیون در تهیه و تصویب طرح ها و لوایحی که در حوزه عملکرد آن است، مورد توجه قرار می گیرد»

۲-۳-۲- آزادی بیان از رهگذر رادیو و تلویزیون (رسانه های صوتی و

تصویری)^{۴۴}

رسانه های تصویری مانند تلویزیون نسبت به سایر ابزار بیان، داری قدرت بیشتری هستند. نگاه کردن تصاویر متحرک مانند تلویزیون، نیاز به هیچ ادراک و شناخت فعالی ندارد، تصاویر متحرک می توانند در چیزهایی که جدید و نو میباشند، تأثیر گذاشته و لذت یک تجربه اولیه را به انسان بچشانند و احساسات را تحریک و به هیجان در آورند^{۴۵} همچنین این دستگاه در اختیار هر شخص که باشد، برای او ابزار

^{۴۴} Freedom of expression through radio and television

^{۴۵} Mendel, Toby, Ibid, 2012. p10

نیرومندی است^{۴۶} که میتواند افکار، عقاید و سلیقه‌های خود را در جامعه ترویج دهد^{۴۷} و از لحاظ تبلیغاتی، به سود خود و به ضرر دیگران از آن استفاده کند. نظر به همین تاثیر گذاری بالای تلویزیون در کشورهای مختلف احکام سخت گیرانه تری نسبت به آزادی بیان در تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها وضع می‌شود.

اما در مصراکثر وسایل بیان به همراه هم به یک شکل حمایت می‌شوند. رسانه های سمعی بصری در قانون اساسی مصر همراه با آزادی مطبوعات، تضمین و به رسمیت شناخته شده است، تا جایی که ماده ۷۰ مقرر نموده: «آزادی مطبوعات و چاپ و نشر مقاله مکتوب، بصری، سمعی و الکترونیکی تضمین شده است. مصریان از جمله اشخاص حقیقی، حقوقی، عمومی و خصوصی، حق مالکیت و انتشار روزنامه و ایجاد وسائل اطلاع رسانی بصری و سمعی و این رسانه‌های دیجیتال را دارند. روزنامه به محض اطلاع به نحوی که قانون کیفیت آن را مشخص می‌کند، انتشار می‌یابد. قانون اقدامات تاسیس و تملک شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و روزنامه‌های الکترونیکی را معین می‌کند» از طرف دیگر همان تضمینات مقرر شده برای آزادی مطبوعات را هم برای رادیو و تلویزیون مقرر داشته و همه شهروندان به طور مساوی از حق مالکیت و تاسیس وسائل ارتباط جمعی در قالب رادیو و تلویزیون را دارند و دولت را متعهد به تضمین استقلال و بی طرفی آنان نموده تا حق همه شهروندان به طور مساوی برای بیان دیدگاه‌های خود و گرایش‌هایی که در زمینه‌های سیاسی و فکری و ... انعکاس افکار عمومی دارند، تضمین گردد که کیفیت این مسئله به قانون عادی محول شده است، چنانکه در ماده ۷۲ تصریح نموده: «دولت متعهد به تضمین استقلال... و موسسات رسانه‌ای متعلق به دولت، برای اطمینان از بیطرفی و بیان تمام دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی و فکری و منافع اجتماعی است و مساوات و برابری

^{۴۶} Subhradipta, Sarkar, RIGHT TO FREE SPEECH IN A CENSORED DEMOCRACY, Bangalore, **National Law School of India University (NLSIU)**. available at: <http://www.cbfcindia.tn.nic.in>, 2008, p68

^{۴۷} مهرپور، حسین، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، نشر دادگستر، چاپ چهارم،

فرصت‌ها را در انعکاس افکار عمومی تضمین می‌نماید» و در ماده ۷۱ تصریح نموده: «هر گونه نظارت بر... و رسانه‌های مصری، مصادره، توقیف و تعطیلی آنها ممنوع است مگر در زمان‌های خاص مانند جنگ یا بسیج عمومی. هیچ مجازات محدود کننده آزادی برای جرائمی که از طریق نشر یا تبلیغ ارتکاب می‌یابد، نباید تحمیل شود اما جرائم مرتبط با تحریک به خشونت و تبعیض در میان شهروندان یا هتک آبرو و اعتبار افراد، مجازات آن به وسیله قانون معین می‌گردد» در تضمین مواد مذکور، شورای به نام شورای عالی سازماندهی رسانه‌ها، پیش بینی شده که در قسمت قبل در مورد آن توضیح داده شد و افزون بر این شورا، کمیسیونی به نام کمیسیون ملی رسانه‌ها هم پیش بینی شده است که مطابق ماده ۲۱۳ عهده‌دار وظایفی است که اینگونه مقرر شده است: «کمیسیون ملی رسانه‌ها، نهادی مستقل است که وظیفه اداره و توسعه، تامین سرمایه، تضمین استقلال، بی طرفی و تبعیت از استانداردهای تخصصی، اداری و اقتصادی موسسات رسانه‌های دیداری، شنیداری و دیجیتالی وابسته به دولت را بر عهده دارد. قانون نحوه تشکیل، ضوابط عملکرد و شرایط فعالیت کارمندان و پرسنل شاغل در کمیسیون را مشخص می‌کند. نظرات کمیسیون در تهیه و تصویب طرح‌ها و لوایحی که در حوزه عملکرد آن است، مورد توجه قرار می‌گیرد»

۳-۳-۲- آزادی بیان از رهگذر تظاهرات مسالمت آمیز^{۴۸}

اجتماعات و تظاهرات یکی از مظاهر بارز دموکراسی است که مردم به وسیله آن، با حضور مستقیم خود در صحنه، اداره امور جامعه را تحت تاثیر بیان توقعات جمعی قرار می‌دهند که دارای فوایدی به شرح ذیل است: اولاً، مسائل مردم به وسیله خود مردم مستقیماً عنوان می‌شود و منبع اطلاعاتی موجهی برای هیات حاکمه خواهد بود که وظایف و خدمات خود را، با در نظر گرفتن این اطلاعات در جهت منافع و نیازهای مردم تنظیم نمایند. ثانیاً، حضور مردم در صحنه و بیان مطالب، وسیله مناسبی برای ارزیابی هیات حاکمه می‌باشد. ثالثاً، به عنوان یک قدرت مهار کننده، علیه گرایش دولت به دیکتاتوری به شمار می‌رود و بدین وسیله، سلامت

^{۴۸} Freedom of expression through peaceful protests

حکومت بیشتر، تامین می‌شود.^{۴۹} به همین دلیل در اکثر قوانین بین المللی و قوانین داخلی کشورها، این مسئله به عنوان یکی از حقوق طبیعی و مشروع شهروندان پیش بینی شده است، اما از آنجا که این تظاهرات ممکن است با اعمال خشونت و آسیب به تاسیسات و اموال دولتی و شهروندان دیگر گردد با پاره‌ای محدودیت‌ها چون مسالمت آمیز بودن، عدم حمل سلاح و لزوم اجازه قبلی همراه هستند. در این راستا قانون اساسی مصر نیز در ماده با دیدگاه مشابهی چون مسائل مذکور حق را برای همه شهرونده به رسمیت شناخته است: «شهروندان اجازه برگزاری تجمعات عمومی و راهپیمایی‌ها تظاهرات و همه انواع تظاهرات هائیمسالمت‌آمیز را بدون حمل سلاح و اطلاع قبلی به نحوی که قانون معین نموده، دارند. اجتماعات خاص مسالمت آمیز بدون نیاز به اطلاع قبلی، تضمین شده است و ماموران امنیتی حق حضور، کنترل و یا استراق سمع آن را ندارند»

۴-۲- آزادی آموزش و پرورش^{۵۰}

یکی از مسائل مبرم مربوط به آزادی اندیشه و فکر، مساله آموزش و پرورش است. در حقیقت آزادی تعلیمات، آزادی پرورش اندیشه به شمار می‌آید و به این اعتبار، اساس هر گونه آزادی مربوط به اندیشه قرار می‌گیرد.^{۵۱} از این آزادی به آزادی تعلیم و تربیت نیز تعبیر شده است.^{۵۲} در این راستا ماده ۱۹ قانون اساسی مصر، آموزش و تعلیم را برای ایجاد و استکام شخصیت مصری و هویت ملی این کشور و مسیر رشد استعدادها و... بدون استثناء برای همه شهروندان به عنوان حق به رسمیت شناخته است و تصریح نموده: «آموزش حق همه شهروندان است. هدف آن بنای شخصیت مصری، حفاظت از هویت ملی، استوارسازی مسیر علمی و رشد استعدادها و ترغیب ابتکار، تحکیم ارزشهای فرهنگی و معنوی و استحکام مفاهیم شهروندی، گذشت و عدم تبعیض است. دولت موظف است اهداف مذکور را در برنامه‌های آموزشی

^{۴۹} هاشمی، سید محمد، پیشین، ص ۴۲۰

^{۵۰} Freedom of education

^{۵۱} قاضی، سید ابوالفضل، پیشین، ص ۵۶۳

^{۵۲} مدنی، سید جلال الدین، پیشین، ص ۱۸۸

و لوازم آن را مطابق معیارهای استاندارد جهانی تامین نماید» افزون بر این ماده دولت موظف شده است سطح آموزش های فنی و حرفه ای را نیز در راستای ایجاد فرصت های شغلی تضمین نماید چنانکه ماده ۲۰ مقرر داشته: «دولت موظف است آموزش فنی و کسب و کار و آموزش های شغلی، گسترش و توسعه آن را در همه انواع مطابق معیارهای جهانی تشویق و ترغیب نماید و بدین وسیله با نیازهای بازار کار متناسب باشد» که خود این مسئله می تواند به حق اشتغال شهروندان که یکی از حقوق بنیادین آنان در این راستا می باشد، کمک شایانی نموده و اقتصادی پویا را برای جامعه فراهم نموده و از طرف دیگر سطح تولیدات داخلی را هم افزایش دهد که خود تلاشی در جهت قطع وابستگی به خارج می باشد. افزون بر این، دولت مطابق قانون اساسی موظف شده است بیسوادی را که موجب جمود فکری یک کشور می گردد ریشه کن نماید تا جایی که در ماده ۲۵ تصریح نموده: «دولت ملزم به تدوین طرحی جامع جهت غلبه بر بی سوادی و ریشه کن کردن آن از میان شهروندان در تمام سطوح است. دولت موظف است مطابق طرحی در طی زمانی معین، سازوکار اجرای آن را با مشارکت موسسات مردم نهاد، فراهم نماید» تا اینجا در زمینه حقوقی که شهروندان در قالب حق بر آموزش و پرورش برخوردارند، بحث شد اما آزادی آموزش و پرورش به این مسائل محدود نمی شود و حق آموزش و پرورش اجباری ایجاب می کند که اولیا اطفال الزما نوباوگان خود از سنین معین و برای مدت مشخصی به مدرسه بسپارند.^{۵۳} در این راستا ماده ۱۹ قانون اساسی مصر مقرر نموده: «...آموزش الزامی تا پایان دوره دبیرستان یا معادل آن است. دولت مکلف است این مراحل را مطابق قانون در موسسات آموزشی دولتی به صورت رایگان ترویج دهد...» در ادامه دولت موظف شده است سهمی از تولید ناخالص ملی را به امر آموزش اختصاص دهد و آن را به تدریج به سطح استانداردهای جهانی نزدیک سازد: «...دولت باید حداقل ۴ درصد تولید ناخالص ملی از پرداخت های دولتی را به امر آموزش اختصاص دهد و به تدریج این میزان افزایش یافته تا به سطح استانداردهای جهانی برسد. دولت بر تضمین تعهد

انطباق همه مدارس و موسسات عمومی و خصوصی با سیاستهای آموزشی نظارت دارد» قانون اساسی مصر به بحث آموزش عالی و تحصیلات دانشگاهی نیز توجه خاصی را مبذول داشته تا جایی که در ماده ۲۱ تصریح نموده: «دولت مکلف است استقلال دانشگاهها، مجامع علمی و زبانی و سطح آموزش دانشگاهی را مطابق معیارهای جهانی فراهم آورد. دولت باید آموزش دانشگاهی را توسعه داده و متعهد به رعایت اصل رایگان بودن دانشگاهها و موسسات دولتی، مطابق قانون است. دولت موظف است حداقل ۲ درصد تولید ناخالص ملی از پرداخت های دولتی را به بخش آموزش دانشگاهی اختصاص دهد. این میزان به تدریج به صورت تصاعدی افزایش می یابد تا به سطح استانداردهای جهانی برسد. دولت نسبت به ایجاد دانشگاههای غیرانتفاعی که هدف کسب سود را دنبال نمی کنند، تشویق لازم را به عمل آورده و موظف است استانداردهای آموزشی را در دانشگاههای خصوصی و غیر دولتی تضمین نماید و آنها را متعهد به رعایت معیارهای جهانی گرداند. افزون بر آن باید کادرهای هیات علمی و محققان را برای آنها مهیا نموده و سهم مناسبی از عواید آن را صرف گسترش فعالیت علمی و تحقیقاتی نماید».

نتیجه گیری

رمز پایداری هراجماعی، در گرو حیات فکری آن جامعه است و تا جامعه به حیات فکری خویش دست نیابد، از زندگی راستین برخوردار نخواهد بود. بدین سان، اندیشه ورزی و تفکر، ضرورت حیات انسانی جامعه هاست و عالمان و متفکران و طلایه داران حرکتهای انسانی و اصلاحی، بیش از هر چیز باید به اندیشاندن وادار نمایند چرا که جامعه ی بی فکر و جامد که در جهت خلاقیت، ابتکار و باز جستن بهترین راهها برای زندگی نمی اندیشد، بزودی دستخوش مرگ و فنا خواهد شد. هر چند که نمی توان میان حقوق و آزادیها بشری نوعی سلسله مراتب به معنای دقیق کلمه قائل شد، اما اعتقاد بر این است که آزادی های فکری پس از آزادی های فردی مهمترین مصداق آزادی ها به شمار می روند، بی گمان ضرورت ایجاد فضای سالم برای اندیشیدن در جامعه ای چون مصر که در پرتو احکام اسلامی به عنوان منبع اصل

حاکمیت قانون و قانونگذاری می‌زید، با توجه به کلیت تعالیم اسلامی بیشتر احساس میشود. چرا که این کشور از ظلم و ستم سالیان متمادی حکومت‌های استبدادی نظامی و خلأ فضای فکری و اندیشه و اسارت بیان در دیوارهای شکنجه و تهدید که خاص حکومت‌های دیکتاتوری است، رنج کشیده و نوع دیدگاه تدوین کنندگان قانون اساسی این کشور در خصوص آزادی های فکری و انعکاس دقیق مصادیق آن و حتی مطلق دانستن برخی از این مصادیق چون آزادی عقیده، شاهی بر این مدعاست. این انقلاب، برای مردمی مسلمان با تمدنی به وسعت تاریخ فرصت لازمی بوده است تا با تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک، مسیر آزادی های فکری خود را در سایه حاکمیت قانون بازگشایند و راه را بر هر گونه انجماد فکری در سراسر قلمرو خویش ببند. از این رو با پیش بینی و تضمین آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و نشریات، داشتن حق دسترسی به اطلاعات و اخبار و داده‌های رسمی، آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت که پیشتر مصادیق آن ذکر شد، بر حقوق حقه خود برای داشتن فضای فکری آینده از روح آزادیخواهانه تاکید و پافشاری نمودند و برای تضمین آن علاوه بر اصل حاکمیت قانون و برابری و تساوی همه شهروندان موادی هم را پیش بینی نمودند. مانند ماده ۹۲ که مقرر داشته: «حقوق و آزادیهای ذاتی شهروندان قابل تعطیلی، ابطال و فسخ نیستند، هیچ قانونی مجاز نیست که اعمال حقوق و آزادی ها را به گونه‌ای محدود نماید که به بنیان و اساس آن صدمه بزند». لذا این ماده ضمانت اجرایی لازمی را برای حقوق و آزادی ها و به طریق اولی حقوق و آزادی های فکری مقرر نموده و حتی قانون وضع شده از سوی مجلس را هم در صورت تراحم مبنایی با آنها به طور ضمنی قابل لغو دانسته است.

منابع و ماخذ

الف- منابع فارسی

- امامی، محمد، استوارسنگری، کوروش، **حقوق اداری او ۲**، نشر میزان، جلد اول، چاپ پنجم، ۱۳۸۸
- پولن، رمون، **حقیقت ها و آزادی**، ترجمه عباس باقری، نشر نی، ۱۳۸۰.

- دورتات، میا، «آزادی بیان و آزادی مطبوعات یک حق انسانی است»، ترجمه اسمائیل مقدم، نشریه رسانه، شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
- سیف، احمد، پیش درآمدی بر استبدادسالاری در ایران، نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
- عباسی، بیژن، مبانی حقوق اساسی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- فورن، جان، نظریه پردازی انقلاب ها، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، ۱۳۸۸.
- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۳.
- گرگی ازندریانی، علی اکبر، در تکاپوی حقوق اساسی، انتشارات جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- مدنی، سید جلال الدین، کلیات حقوق اساسی، انتشارات پایدار، چاپ بیستم، ۱۳۸۷.
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- قانون اساسی مصر مصوب ۱۴ و ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴، ترجمه دکتر محمد مظهری، مرتضی قاسم آبادی و فرزاد جنگجوی، تبریز، انتشارات آیین، ۱۳۹۳.

ج- منابع انگلیسی

- Mendel, Toby, Freedom of Expression and the Regulation

of Television to Protect Children: Comparative Study of Brazil and Other Countries, March .**center for law and democracy**(CLD), available at: www.law-democracy.org, 2012.

- Subhradipta, Sarkar, RIGHT TO FREE SPEECH IN A CENSORED DEMOCRACY, Bangalore, **National Law School of India University (NLSIU)**, 2008.available at:<http://www.cbfcindia.tn.nic.in>

Analysis of the extent of the rights and freedoms of thought in the light of the rule of law in the Egyptian constitution (constitution approved in 2014)

Mohammad MAZHARI
Morteza GHASSEMABADI
Alireza NASSERI
Somayye MARANDI

Abstract

Irrefutable examples of freedom of thought such freedom of expression, religion, conscience, education, press and publications, access to data, radio and television, are the most natural and the most genuine individual rights and democracy and human dignity that lack of guarantees and support of these rights, are for dictatorships and authoritarian regimes. On the other, the rights and freedoms referred in shelter consistency of the rule of law and without of it, the guarantees of the rights and freedoms will not be achieved. because the rights and duties of rulers and citizens should be in the form of constitution framed to all the officials and political institutions are subject to legal rules and no one has the right to limitation of rights and fundamental freedoms, including the rights and freedoms of thought, but not in the context of certain rituals and laws. In this regard, Egypt's new constitution is not an exception and it has decreed rights and freedoms of thought in the light of the rule of law

Keywords: Rule of law, human rights, Freedoms of thought, Egyptian constitution